

بنیانگذاران» آن است؛ اگرچه با هدف خدمت رفته باشند. چراکه ساختار این سازمان با روحیات یک مهندس در تناقض است و همین امر باعث می‌شود که مبدعان سیستم آن را کنار بگذارند.

رفع آسیب

برای رفع این آسیب‌ها دو نمونه می‌آورم: وقتی موبایل‌های ۱۵ سال گذشته را با موبایل‌های امروزی مقایسه می‌کنیم به هیچ‌وجه حاضر نیستیم از موبایل‌های آن زمان استفاده کنیم. یا مثلاً داروهای پزشکی؛ معمولاً علاوه بر اینکه بیماری‌ای را درمان می‌کنند در کنار آن یک‌سری عوارض هم دارند. این دو نمونه را به این خاطر گفتم که بدانیم نوع فناوری‌ها به خصوص فناوری‌های اجتماعی و علی‌الخصوص فناوری‌های سازمانی، همیشه دارای اشکالات و عوارضی هستند. مسأله اساسی ما مطالعه جدی، عمیق و پیگیری این تجربه‌ها و رفع مورد به مورد اشکالات موجود و ارتقای این فناوری‌ها است. هیچ‌گاه نمی‌توانیم ادعا کنیم که اگر یک جا را درست کنیم، همه چیز درست می‌شود. سخت‌ترین نقطه هر فناوری نقطه خلق آن است. اولاً باید بدانیم فناوری وقتی می‌خواهد ارزشی را محقق کند یا مشکلی را رفع کند، ممکن است جاهای دیگری را با مشکل روبه‌رو کند. ثانیاً این نقایص باید به مرور و نسخه به نسخه و با فهم عمیق حل شود.

دغدغه الگو شدن

جهاد سازندگی از جهت ابداع شدن آن حتماً الگو است. یعنی این روحیه که ما از فناوری‌های اجتماعی نرم به سمت ابداع برویم، جنبه الگویی جهاد است، ولی اینکه خود جهاد با همان خاصیت و شکلی که بوده، بدون اینکه روی آن تأمل کنیم، به صورت آزمایشی در جاهایی اجرا شود؛ این به خودی خود و به تمامه، الگو نیست.

ما باید از ابداع و شکل‌گیری جهاد سازندگی برای ابداعات جدیدی که در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیاز است الگو بگیریم. اما باید توجه داشته باشیم که آیا امکان دارد چیزی بهتر از آنچه به وجود آمده است در حیطه فناوری سازمانی ایجاد شود؟ من معتقدم که جهاد سازندگی اشکالات زیادی داشته که قابل اصلاح است. پس از جهتی الگو بوده و از جهتی نیازمند اصلاح است.

به نظر من نقص ما در فهم دانش مدیریت است که نتوانسته‌ایم جهاد را به یک الگو تبدیل کنیم. البته پیچیدگی مدیریت هم بسیار بیشتر از سایر علوم اجتماعی است. به هر حال ما به صورت کامل دلداده جهاد سازندگی نیستیم، بلکه دلداده روش ابداع آن هستیم و اجزا و فرآیندهای آن را نیازمند اصلاح می‌دانیم.

وقتی شما چیزی را «کشف» کردید، کار تمام است. اما در مورد «اختراع» این‌گونه نیست بلکه تازه ابتدای کار است. زیرا باید مدام بهبود پیدا کند و با محیط‌های مختلف «بهینه و سازگار» شود. در حالی که کشف هیچ‌گاه نقص ندارد. ما به این صورت به فهم جهاد سازندگی نپرداخته‌ایم.

مزیت و رقابت

این ابداع (جهاد سازندگی)، یک رقیب بسیار قوی داشت و آن بروکراسی یا به عبارتی نوع سازمان‌های مدرن امروزی جهان بود. اما هنوز فناوری سازمانی با تمام قوت‌هایی که دارد، با نقص‌های بسیار شدیدی مواجه است. البته ما فکر می‌کنیم که مولود غرب است، در صورتی که آن چیزی که به نام بروکراسی وارد کشور ما شده، یک نسخه ارتقا یافته و سکولار از تجربه خود ما در تمدن اسلامی است که این نکته بسیار قابل توجه است.

داوطلبانه بودن، اجازه اعمال اراده کردن توسط مجموعه‌های زیردست، مشارکت همگانی و انعطاف زیاد از مزایای تجربه جهاد سازندگی ماست که در غرب هم این ویژگی‌ها مورد توجه است. آن‌ها امروزه کاملاً به این امر پی برده‌اند و به دنبال این هستند که چطور می‌توانند این مزایا را ارتقا دهند. لذا این ابداع بسیار بزرگی بوده است اما فناوری ابداعی معصوم نیست و باید روی آن کار شود تا بهبود پیدا کند. کسی که عالم به فناوری باشد، فناوری را با سیستم سازگار می‌کند یا به نوعی با کلیت اجزای سیستم همگونی برقرار کرده و از آن استفاده می‌کند. مشکل ما این است که فناوری را نمی‌شناسیم اما غرب فناوری خود را می‌شناسد. بنابراین می‌توانند همین فناوری جهاد سازندگی را با ویژگی‌های فرهنگ غربی اجرایی کنند. ما هم اگر تجربه خود را به خوبی بشناسیم می‌توانیم برای ایجاد فناوری‌های بومی اقدامات مؤثری انجام دهیم.

✽ عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)

